

واکاوی نقش حکام محلی قاجار در مهار شورش‌های بابیان: مطالعه‌ی موردی ولایت زنجان

علی اصغر رجبی

۱- استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. پست الکترونیک: aliasghar.rajabi@khu.ac.ir

چکیده

شورش بابیان در زنجان (۱۲۶۶-۱۲۶۷ قمری/۱۲۲۹-۱۲۳۰ ش) به رهبری ملا محمدعلی زنجان‌ی (حجت) از بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و خون‌بارترین رویدادهای مرتبط با جنبش بابیه در ایران عصر ناصری به شمار می‌رود. این شورش پس از شکست بابیان در قلعه‌ی شیخ طبرسی رخ داد و نزدیک به ۹ ماه طول کشید که در آن، حکام محلی - اعم از خوانین، مقامات حکومتی و علما - نقشی اساسی در سرکوب شورش ایفا کردند. این مقاله با رویکردی تاریخی و تحلیلی، به واکاوی نقش حکام و عوامل محلی قاجار در مدیریت، گسترش و درنهایت مهار این شورش می‌پردازد. پرسش اصلی این است که حکومت محلی زنجان تحت امر امیراصلان خان مجدالدوله (حاکم وقت) چگونه با این پدیده برخورد کرد و اقدامات او چه تأثیری در روند رویدادها داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دولت مرکزی بدون همراهی و مشروعیت‌سازی علما و حکام زنجان توان مهار شورش را نداشت؛ صدور فتوای جهاد از سوی میرزا ابوالقاسم موسوی زنجان‌ی، بسیج مردمی، همکاری مالکان بزرگ و ورود نیروهای نظامی تحت فرمان مصطفی‌خان سرتیپ از مهم‌ترین عوامل سرکوب شورش بود. سیاست‌های ابتدایی حاکم، ترکیبی از مدارا و تلاش برای آرام‌سازی بود، اما با تشدید درگیری‌ها، رویکرد به سرکوب نظامی تمام‌عیار سوق پیدا کرد. این مقاله استدلال می‌کند که اگرچه فرمان‌های صادرشده از پایتخت نقش‌بخشنامه داشتند، اما نحوه‌ی اجرا و مدیریت محلی، به‌ویژه شخصیت، توان نظامی و دیپلماسی محلی حاکم، نقشی تعیین‌کننده در دامن زدن به بحران و سپس مهار خونین آن ایفا کرد. نتیجه‌ی پژوهش تعامل میان قدرت محلی و مرکزی در زنجان، یک الگوی مؤثر «حکمرانی چندسطحی» در عصر قاجار را نمایان می‌کند.

کلید واژه‌ها:

قاجار، بابیان، زنجان، ملا محمدعلی زنجان‌ی، حکام محلی، امیراصلان خان مجدالدوله، شورش‌های مذهبی

استناد: رجبی، علی اصغر (۱۴۰۴). واکاوی نقش حکام محلی قاجار در مهار شورش‌های بابیان: مطالعه‌ی موردی ولایت زنجان. تحقیقات تاریخ ایران دوره اسلامی، ۲۰۹-۲۲۲.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

در دوران سلطنت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه سراسر ایران دارای درگیری، شورش‌ها و طغیان‌های مردمی بود. بسیاری از این فتنه‌ها با بهانه‌های مختلفی رخ می‌داد و حتی برخی جنبه دینی نیز داشته است و البته ارتباطی با بابت به‌طور مستقیم نداشت. ازجمله این آشوب‌ها می‌توان به فتنه علیه علی‌اشرف ماکویی، حاکم زنجان و اخراج او به خاطر بدرفتاری با مردم و تعدی او به یک زن مسلمان، بدون موازین شرعی اشاره کرد (سپهر، ۱۳۸۴: ۲/۲۰۶-۲۰۷).

ظهور سید علی‌محمد شیرازی (باب) در دهه‌ی ۱۲۶۰ ه.ق و ادعاهای او درباره‌ی بابت و مهدویت، موجی از شورش‌ها و درگیری‌های مذهبی در ایران ایجاد کرد. یکی از مهم‌ترین این شورش‌ها، قیام بابیان در زنجان بود که به رهبری ملا محمدعلی زنجان، معروف به حجت، شکل گرفت.

جنبش بابیان در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری، چالش‌های گسترده‌ای را برای حکومت قاجار به وجود آورد. شورش زنجان به رهبری ملا محمدعلی زنجان (حجت الزنجانی) ازجمله مهم‌ترین این درگیری‌ها بود که به مدت چند ماه این شهر را در بحران فروبرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰/۲۳۴).

فتنه‌ی بابیان یکی از شورش‌های تعیین‌کننده در تاریخ سیاسی ایران عصر قاجار است. هرچند دولت مرکزی نقشی مستقیم در سرکوب شورش‌ها داشت، اما در برخی مناطق ازجمله زنجان حکام محلی نقش برجسته‌تری بر عهده گرفتند. شورش زنجان به رهبری ملا محمدعلی حجت بیش از ۹ ماه ادامه یافت و تنها با همکاری حکام محلی و دولت مرکزی سرکوب شد. اهمیت این رخداد در آن است که تعامل پیچیده‌ی نهادهای محلی و مرکز نقش اصلی در پایان شورش داشت (حسینی، ۱۳۹۴: ۷۲).

در سال (۱۲۶۶) زنجان شاهد شورش به سرکردگی ملا محمدعلی زنجان، ملقب به حجت شد. این فرد مدعی نیل به مرتبت اجتهاد بود و قبل از گرایش به بابت به علت فتوای نادرست خود در مسائل مختلف احکام همچون روزه عید فطر و سجده بر بلور صافی، مورد نفرت و خشم علمای زنجان گردید.

«جنبش بابیان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی - مذهبی قرن نوزدهم ایران، حکومت قاجار را با چالش‌های عمیقی مواجه ساخت. در میان چندین کانون درگیری، «شورش زنجان» از نظر شدت، مدت و تعداد تلفات، جایگاه ویژه‌ای دارد» (رجبی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در تحلیل این رویداد، علاوه بر نقش حکومت مرکزی و نهاد مذهبی، عملکرد «حکام محلی» به‌عنوان بازوان اجرایی سلطنت قاجار در ولایات، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این مقاله با تمرکز بر ولایت زنجان، درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که حکام محلی قاجار، به‌طور خاص امیراصلاح خان مجدالدوله، چه نقشی در شکل‌گیری، گسترش و نهایتاً مهار شورش بابیان در این منطقه ایفا کردند؟

این مقاله به تحلیل نقش حکام محلی، به‌ویژه امیر اصلاخان مجدالدوله، در مهار این شورش می‌پردازد. پرسش اصلی این است که حکام محلی چگونه توانستند بین نیروهای مرکزی و محلی هماهنگی ایجاد کرده و شورش را سرکوب کنند؟ فرضیه‌ی این پژوهش آن است که اگرچه زمینه‌های اجتماعی و مذهبی در بروز شورش مؤثر بودند، اما سیاست‌های ناهمگون، فقدان درک درست از ابعاد شورش توسط حاکم محلی و سپس سرکوب قهرآمیز آن، سهم به‌سزایی در تبدیل یک اختلاف مذهبی به یک نبرد تمام‌عیار شهری داشت.

یکی از ویژگی‌های دولت قاجار، نظام حکمرانی نیمه‌متمرکز و اتکای گسترده به حکام محلی در اداره ایالات بود (کسروی، ۱۳۵۸). در چنین ساختاری، مهارشورش‌ها و بحران‌ها عمدتاً توسط حکامی صورت می‌گرفت که در منطقه اختیار تام یا نیمه‌تام داشتند. شورش بابیان زنجان از مهم‌ترین رخدادهایی بود که نشان داد چگونه «قدرت محلی» و «اقتدار مرکزی» در تعامل و گاهی حتی در تعارض با یکدیگر، بحران را مدیریت کردند (فغفوری، ۱۳۶۳).

هدف این مقاله بررسی این مسئله است که حکام محلی قاجار چه نقشی در مهارشورش بابیان زنجان داشتند و چرا نقش آنان تا این اندازه تعیین‌کننده بود؟ این مطالعه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، به واکاوی این نقش می‌پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات گذشته بیشتر بر جنبه‌های سیاسی یا نظامی شورش‌ها تمرکز داشته‌اند. منابعی مانند «تاریخ بیداری ایرانیان» بر نقش محوری مجدالدوله در سرکوب شورش تأکید دارند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۹: ۴۶۰/۲). همچنین «بابیان» کسروی با نقد عملکرد حکومت مرکزی، حاکم زنجان را عامل اصلی مهارشورش می‌داند (کسروی، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

فراهانی (۱۳۹۲) در کتاب رویکرد امیرکبیر به نهضت بابی، رویکرد امیرکبیر به جنبش بابیان را تحلیل کرده است. حسینی (۱۳۹۴) در کتاب شورش‌های بابی در عصر قاجار، شورش‌های بابی را از منظر نظامی و حکومتی قاجار مطالعه کرده است. رحمانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «پیامدهای اجتماعی بابی‌گری در زنجان» به پیامدهای اجتماعی بابی‌گری در زنجان پرداخته است. اما نقش حکام محلی زنجان به‌عنوان عامل مستقل در پژوهش‌ها کمتر بررسی شده و این مقاله درصدد تکمیل این خلأ پژوهشی است.

۳. چارچوب نظری

بر اساس نظریه‌های «دولت ضعیف و جامعه قوی» (میگدال، ۱۳۸۶) و «مکانیزم‌های حکمرانی منطقه‌ای» در دولت‌های پیشامدرن ایران (آدمیت، ۱۳۵۴)، در دوره‌ی قاجار ساختار سیاسی نه کاملاً متمرکز و نه محلی - بلکه تلفیقی از هر دو بود؛ بنابراین، نقش حکام محلی را باید در سه حوزه تحلیل کرد:

الف. کارکردهای امنیتی - نظامی: شامل بسیج نیرو، سازماندهی دفاع، محاصره یا مقابله با شورشیان.

ب. کنترل اجتماعی - مذهبی: از طریق روحانیان محلی و تحریک یا آرام‌سازی افکار عمومی.

ج. رابطه با مرکز: که در آن حکام هم مجری اوامر مرکز بودند و هم بازیگران مستقل.

این چارچوب برای تحلیل نقش حاکم زنجان در شورش بابیان قابل استفاده است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق تاریخی-تحلیلی است و داده‌ها از سه دسته منابع به‌دست آمده‌اند که عبارت‌اند از:

الف. منابع تاریخی دوره‌ی قاجار.

ب. پژوهش‌های جدید درباره‌ی شورش‌های بابی.

ج. اسناد و روایت‌های محلی زنجان درباره‌ی نقش علما و خوانین.

۵. زمینه‌ی تاریخی شورش بابیان در زنجان

پس از قیام قلعه‌ی طبرسی، زنجان به کانونی برای تجمع بابیان تبدیل شد. درگیری میان بابیان و غیر بابیان شهر به سرعت شدت گرفت و حاکم زنجان ناچار شد شهر را به دو بخش تقسیم کند. محله بابیان نزدیک به ۹ ماه در محاصره قرار گرفت و مقاومت شدید آنان موجب شد که دولت مرکزی به حمایت از حکام محلی بپردازد.

در سال ۱۲۶۵ ق. درگیری‌های شدیدی میان بابیان زنجان و سپاه قاجار رخ داد. این درگیری‌ها به دنبال اختلافات مذهبی و سیاسی طرفین شکل گرفت و به شکست بابیان منجر شد. پس از این شکست، تعدادی از بابیان از دروازه‌ی قزوین فرار کردند، در حالی که برخی دیگر کشته یا اسیر شدند. این واقعه یکی از رویدادهای مهم در تاریخ جنبش بابی در ایران محسوب می‌شود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۷۴/۱).

۱-۵. وضعیت سیاسی - اجتماعی زنجان پیش از شورش

زنجان در دهه‌ی ۱۲۶۰ ق یکی از مراکز مهم فعالیت بابیان بود. نفوذ گسترده‌ی ملا محمدعلی زنجان‌ی (مشهور به حجت) و اختلاف دیرینه‌ی او با علمای وابسته‌ی به حکومت زمینه‌ی بروز تنش را فراهم کرده بود (کسروی، ۱۳۵۸: ۴۲۳). در چنین فضایی، حاکم شهر نقشی کلیدی در میانجی‌گری یا تشدید بحران داشت.

شورش به رهبری ملا محمدعلی حجت در سال ۱۲۶۶ ق آغاز شد (یوسفی، ۱۳۹۵: ۶۱). حجت نفوذ مذهبی قابل توجهی داشت و سازمان‌دهی پیروان او با تکیه بر ساختارهای محله‌ی بابیه انجام می‌شد.

از جمله دلایل آغاز شورش می‌توان به:

الف. رقابت دیرینه میان حجت و علمای مخالف (موسوی، ۱۳۹۰: ۵۴).

ب. فشارهای سیاسی دولت بر پیروان حجت.

ج. گسترش آموزه‌های بابی در سطح محلی (و ثوقی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). اشاره کرد. به طوری که برای حکومت قاجار، شورش زنجان هم تهدید مذهبی و هم تهدید سیاسی محسوب می‌شد.

۲-۵. رهبر فتنه بابیه شهر زنجان

ملا محمد علی زنجان‌ی در سال ۱۲۲۷ هجری قمری متولد شد. وی تحصیلات خود را در کربلا به پایان رساند و به ایران بازگشت. محمدشاه قاجار بعد از اعتراض مردم و علماء نسبت به فتوای عجیب و غریب او، وی را به شهر زنجان روانه کرد. در زمان فتنه‌ی بابیه او نیز موقعیت را مناسب دید و با سید علی محمد باب مکاتباتی رد و بدل نموده و طریقه‌ی او را قبول کرد و مردم را به او دعوت کرد. جمعی دیگر گرد او آمدند و به ریاست او پا در راه تمرد نهادند و سید علی خان سرتیپ فیروزکوهی با جمعی دیگر به تنبیه این طایفه روانه شد (اعتمادالدوله، ۱۳۶۷: ۹۷۲/۲). و این آغازی گردید برای فتنه‌ای بزرگ در شهر زنجان.

این روحانی اخباری مسلک و ماجراجو «چون او را در میان علما، نامی بلند و مقامی ارجمند نبود، همی خواست تا خویشان را شناخته‌ی مردمان کند و نام خود را در زبان‌ها سایر گرداند. پس در مسائل شرعیه، هر سخن که خلاف مشهور و مخالف جمهور بود، اختیار همی کرد و در میان عامه، اشتها همی داد و چنان که وقتی بدین حدیث که شهر رمضان، تمام آید، بی آن که توثیق و تصحیح

حدیث روا دارد یا آن را به تأویل و تعبیر راست کند، همه‌ساله شهر رمضان را سی روز به شمار می‌گرفت و از این‌روی بسیار وقت می‌افتاد که روز عید فطر را که روزه گرفتن حرام است، مردم را به صوم باز می‌داشت و نیز فتوا کرد که در شریعت اثنا عشریه، سجده کردن بر بلور صافی از بهر نماز روا باشد و از این‌گونه فتوا فراوان داشت...» (محمدی، ۱۳۸۸).

۵-۲. بابیان و ملا محمد علی

بابیان ملا محمد علی زنجان را به‌عنوان یکی از مجتهدین بنام شیعه معرفی کرده‌اند. وی از پیروان جدی باب به شمار می‌رفته است. اگر به نوشته‌ی «نبیل زرنندی» درباره‌ی حجت زنجان توجه شود او اساساً اعتقادی به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نداشته است. در مجلس محاکمه‌ی خود در تهران ضمن محاجه با علماء رسماً مدعی می‌شود و می‌گوید: عترت که یکی از دو ثقل است از بین رفته و در میان نیست (اشراق خاوری، ۱۳۴۳: ۵۰۲).

همچنین بررسی حالات وی و نحوه‌ی ارتباط او با جریان بایبگری نشان می‌دهد که او اعتقادی به ادعاهای باب نداشته و تنها از آن به‌عنوان محملی برای دست‌یابی به مقاصد خود بهره می‌جسته است (شفاء، ۱۳۴۹: ۲۳۴).

شاهد ما این است در شورش قلعه‌ی طبرسی، وقتی اتفاق افتاد که او در تهران بود ولی او برای پیوستن به اصحاب قلعه حرکتی نکرد و اگر نوشته‌ی مورخین بهائی مورد اطمینان باشد تنها به اظهار تأسف اکتفاء کرد؛ اما هنگامی که جان خود را در معرض خطر دید بلافاصله به زنجان گریخت. اگر او یارای خروج از تهران را داشت، می‌بایست برای مساعدت سایر بابیان به مازندران می‌رفت؛ چراکه باب دستور داده بود: بر همه‌ی مؤمنین واجب است که برای مساعدت جناب قدوس به مازندران بروند؛ زیرا اطراف قدوس و اصحاب را قوای دشمنان خون‌خوار و بی‌رحم احاطه کرده... (اشراق خاوری، ۱۳۴۳: ۴۰۸). و اگر خروج ممکن نبود چگونه توانست به زنجان بازگردد.

۵-۳. حمایت دول خارجی از فتنه زنجان

حمایت دول خارجی خصوصاً تزار روس در این فتنه‌ها بر کسی پوشیده نیست. فریدون آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران می‌نویسد: «مأمور انگلیسی ابوت که زمان آشوب زنجان از آن شهر می‌گذشت، شرح جنگ آنجا را می‌دهد و می‌گوید: ملا محمد علی رئیس گروه بابیان متعصب زنجان به پیروانش گفت: از پیکار نهراسید و اگر کشته شدید روحتان از نو باز می‌گردد و دین مقدس (آئین باب) مغرب و مشرق را فرا خواهد گرفت... به‌علاوه اطمینان داده که دولت روس به یاری آنان خواهد آمد» (آدمیت، ۱۳۹۷: ۴۴۹).

«اما آنچه که وی بر زبان رانده بود، باور داشت چراکه همین دولت تزار روسیه بود که در خلوت و جلوت به کمک بابیان آمد و حتی به علی محمد باب نیز اطمینان داد که آئین باب سراسر اروپا را در بر می‌گیرد و تمام مردم این قاره به آئین باب می‌پیوندند؟ همچنانکه محمد علی فیضی در کتاب حضرت نقطه‌ی اولی به نقل از دکتر کورمیک که قبل از اعدام باب به معاینه‌ی وی رفته بود، باب به او گفت: «به‌زودی جمیع اروپایی‌ها به من ایمان خواهند آورد» (فیضی، بی‌تا: ۲۹۵). از زمان این وعده‌ی باب و همچنین وعده‌ی حجت زنجان به یارانش تاکنون بیش از یک‌صد و هفتاد و سه سال می‌گذرد و نه‌تنها حجت زنجان و یاران بابی وی رجعت نکردند، بلکه مردم اروپا هم بابی نشدند حتی مردم ایران و خصوصاً مردم زادگاه وی نیز بابی نیستند و آئین باب غرب و شرق عالم را فراموش گرفت. هرچند برخلاف گفته حجت زنجان دولت روس به کمک آنان نیامد، اما دولت مذکور در خفا از باب و آئین وی حمایت می‌کرد و بعد از ظهور حسینعلی بهاء به حمایت جدی از وی پرداخت.

کردار زشت دیگر ملا محمدعلی حجت، طی جنگ این بود که با نامه‌هایی که به سفرای روس و انگلیس و عثمانی فرستاد، سعی نمود تا پای بیگانگان را هم به این معرکه بگشاید. وی خواستار حمایت بیگانگان از خود بود. نامه‌ی مورخ ۲۲ ژوئیه ۱۸۵۰ کلنل شیل، سفیر بریتانیا در ایران، به پالمستون که با شماره ۶۰/۱۵۲ در آرشیو اسناد وزارت امور خارجه انگلیس نگه‌داری می‌شود، به‌خوبی بیان‌گر این مطلب است: «... ملا محمدعلی، مجتهد برجسته زنجان، نامه‌ای به من فرستاده و گفته: مرا به‌دروغ متهم به بابت کرده‌اند و استدعا کرده نزد دولت حسن توسط نمایم که او و هم‌وطنانش را از حمله سپاهیان نجات دهم. عین همین مطلب را به امیرنظام نیز نوشته است. امیر جواب داده که حاضر است حرف او را بپذیرد و مدارا نماید؛ اما برای اثبات صدق سخنش باید به پایتخت بیاید. چون این شرط را قبول نکرد، امیر برای محاصره زنجان از نو قشون فرستاد.» سفیر روس در ایران نیز در گزارش چهارده سپتامبر ۱۸۵۰ خود می‌نویسد: «... ملا محمدعلی سردسته بابیان زنجان، از سامی افندی، سفیر عثمانی و سرهنگ شیل، وزیرمختار انگلیس در تهران، درخواست میانجی‌گری نمود؛ اما همکار انگلیسی من عقیده دارد که مشکل است دولت ایران برای خاطر آن فرقه، راضی به دخالت بیگانه گردد.» آری، آدم غریق به هر چیز متمسک می‌شود تا شاید بتواند خود را از مرگ حتمی نجات دهد و ملا محمدعلی کم‌عقل هم می‌خواست با توسل به بیگانگان، راه نجاتی برای خود پیدا کند که هوشیاری و درایت و استقامت امیرکبیر همه این نقشه‌ها و توطئه‌ها را ختشی کرد (محمدی، ۱۳۸۸).

۶. زمینه‌های شورش

با مرگ محمدشاه قاجار (ششم شوال ۱۲۶۴ هـ. ق) و تحصن صدراعظم وی در حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام)، نقاط مختلف ایران در موجی از آشوب و هرج‌ومرج فرورفت و مدعیان صدارت، بلکه سلطنت، از هر گوشه سر برآوردند. ولی عهد جوان (ناصرالدین‌شاه) به‌زودی خود را به تهران رساند و تاج‌گذاری نمود (۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۶۴ هـ. ق) و مرد بزرگ یعنی میرزا محمدتقی خان امیرکبیر را به صدراعظمی برگزید، اما بدیهی است که مدت‌زمان نسبتاً زیادی لازم بود تا همت و تدبیر این امیر بزرگ، به فتنه‌ها پایان دهد و نظم و امنیت را به کشور بازگرداند. خاصه آن‌که دست اجنبی هم در ایجاد آشوب و اغتشاش سخت در کار بود و پاره‌ای از فتنه‌ها اساساً از تباری و تحریک مستقل یا مشترک لُردان لندن و کُنت‌های پطرز بورخ سرچشمه می‌گرفت. ملا محمدعلی نیز از این فرصت و موقعیت حساس کشور استفاده کرد و در لباس نظامی‌ها از تهران به‌طرف زنجان ره سپار گشت و چون خبر ورود او به زنجان رسید، جمعی از مردم عوام و ساده زنجان تا دو منزلی شهر به استقبالش رفتند و «به تشریفات ورود او قربانی‌ها نمودند» (محمدی، ۱۳۸۸).

زنجان در دوره‌ی قاجار از شهرهای مهم و دارای ساختار اجتماعی متشکل از علما، تجار و گروه‌های مختلف بود. حضور شخصیتی مانند ملا محمدعلی زنجان (حجت) از یاران برجسته‌ی باب، باعث شد تا این شهر به یکی از پایگاه‌های اصلی بابیان تبدیل شود (معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۵۲: ۲/۴۵۶). از سوی دیگر، وجود رقابت‌های سنتی بین محلات و گروه‌های مختلف شهری، بستر مناسبی برای گسترش درگیری‌ها فراهم کرده بود.

الف. زمینه‌ی مذهبی: حجت با ادعای اجتهاد و سپس پیروی از باب، پیروان زیادی در زنجان گردآورد.

ب. زمینه‌ی اجتماعی: اختلافات میان بابیان و غیر بابیان در شهر، موجب تقسیم زنجان به دو بخش شد.

ج. زمینه‌ی سیاسی: شکست بابیان در قلعه‌ی شیخ طبرسی، آنان را به مقاومت در زنجان سوق داد.

۷. روند شورش

پس از ورود محمدعلی به زنجان، جمعیت زیادی گرد او جمع گشتند و هواخواهان کثیری برای خود پیدا کرد و کارش بالا گرفت و دسته‌ای از مریدان خویش را نیز به کمک بابی‌های قلعه طبرسی فرستاد. دولت که از اوضاع زنجان باخبر گردید، برای این‌که قضیه بابی‌های زنجان مانند مازندران (قلعه طبرسی) زحمت و دردسر زیادی ایجاد نکند، به امیر اصطلان خان (حاکم زنجان) دستور داد تا ملا محمدعلی را فوراً دست‌گیر و به تهران روانه کند.

پس از جنگ قلعه‌ی طبرسی، قیامی به رهبری ملا محمدعلی زنجان‌ی ملقب به حجت در زنجان شکل گرفت. وی هزاران نفر از پیروان خود را به آیین جدید درآورد.

ملا محمدعلی نیز از این جریان باخبر شد لذا «به تحفظ خود مبالغه تمام کرد و در احتشاد و احتشام خود فروتن گرفت تا کارش چنان بزرگ شد و قوت یافت که ده‌پانزده هزار کس از شهر و بلوک بر وی جمع شدند و در هنگام ذهاب و ایاب به مسجد و منبر امامت پیروان وی داشتند و این موافقت و ارادت را سعادت‌ی عظیم می‌پنداشتند و جز با یک‌هزار تفنگ‌چی مصمم مستعد به خدمت امیر حاکم نمی‌رفت». گزارش فوق نشان می‌دهد که شهر زنجان بسیار ملتهب و فقط منتظر جرقه‌ای بود تا آتش فتنه شعله‌ور شود زیرا هیچ حکومتی این وضع شکننده و قلدرمآبانه را تحمل نمی‌کند چه رسد به دولت مقتدر امیرکبیر (محمدی، ۱۳۸۸).

شورش در سال ۱۲۶۶ هـ ق با درگیری میان بابیان و مخالفان محلی آغاز شد. با آغاز درگیری‌ها، مجدالدوله فوراً نیروهای قزاق، سواران محلی و تفنگچیان ایلات اطراف را بسیج کرد (غفوری، ۱۳۶۳: ۱۲۲).

او طی مکاتبات متعدد از دربار درخواست نیرو و مهمات کرد، اما در عمل تا هفته‌ها تنها بود و همین امر نشان می‌دهد که فشار اصلی مواجهه بر دوش حکومت محلی قرار داشت.

برخی منابع معتقدند که رفتار خصمانه‌ی حاکم با بابیان باعث تسریع شکل‌گیری شورش شد (آوینی، ۱۳۷۲). اصطلان‌خان چندین بار فرصت مذاکره با ملا محمدعلی را رد کرد و حتی برخی پیروان او را پیش از آغاز رسمی شورش بازداشت نمود؛ اقدامی که موجب انسجام بیشتر بابیان شد.

درگیری‌ای بین جمعیت بابی و غیر بابی شهر ایجاد شد و در نتیجه حاکم شهر، شهر را به دو قسمت بابی و غیر بابی تقسیم کرد. بین دو گروه جنگ درگرفت، حاکم شهر نیروهای مسلح متعددی به کار گرفت و محله بابیان به مدت تقریباً ۹ ماه محاصره شد که طی آن مدافعان بابی با تجهیزات ناچیز محاصره‌کنندگان مسلح را متوقف کردند و بسیاری را کشتند. بسیاری از بابیان در طول مبارزه کشته شدند و بیشتر بازماندگانی که تا آخر جنگ‌یدند، قتل‌عام شدند (محمدی، ۱۳۸۸).

پس از شکست بابیان در زنجان، ۲۵ تن از سرشناسان این جنبش، از جمله نجفقلی پسر حاجی کاظم آهنگر، حیدر بقال، فتحعلی شکارچی و میر شب (معروف به میر سیاره)، از دروازه قزوین فرار کردند. این افراد از جمله کسانی بودند که در جنگ‌های پیشین نقش مهمی ایفا کرده بودند. نجفقلی به دلیل مهارت در ساخت توپ‌های آهنی و حیدر بقال به دلیل شجاعتش در نبردها شهرت داشتند. فرار این افراد نشان‌دهنده ضعف و فروپاشی نیروهای بابی پس از شکست در زنجان بود (سپهر، ۱۳۸۴: ۲۹۶/۳).

۸. نقش حکام محلی در مهارشورش

با آغاز فعالیت‌های آشکار بابیان در زنجان، رویکرد اولیه‌ی مجدالدوله به‌عنوان حاکم زنجان، مبتنی بر جلوگیری از درگیری بود. گزارش‌شده است که او در ابتدا سعی در میانجی‌گری و آرام کردن فضا داشت و حتی به بابیان اطمینان داد که در امان خواهند بود (روحانی، ۱۳۸۱: ۲۳۴). این سیاست احتمالاً تحت تأثیر دو عامل بود: اول، دستورات اولیه از تهران که ممکن است بر جلوگیری از شعله‌ور شدن آشوب تأکید داشته باشد و دوم، محاسبه مذهبی و باورهای شخصی حاکم برای مدیریت منطقی بحران. بااین‌حال، این سیاست مدارا، از دیدگاه برخی عناصر محلی، نشانه‌ی ضعف حکومت تفسیر شد و به بابیان جرأت بیشتری برای ابراز وجود داد. گفتنی است احتشام السلطنه که در دوره‌ی ناصری به حکمرانی زنجان رسیده بود با بهره‌گیری از نیروهای محلی و حمایت دولت مرکزی، توانست نظم نسبی را در منطقه برقرار کند. اسناد نشان می‌دهد که وی در کنار اقدامات نظامی، تلاش‌هایی برای جلب حمایت متنفذان محلی و کاهش تنش‌های اجتماعی نیز انجام داد (رستمی و بیات ۱۴۰۴: ۲۷). در دوره‌ی مظفری، وزیر همایون به حکمرانی زنجان منصوب شد. عملکرد او در مقایسه با دیگر حکام منطقه موردتوجه قرار گرفته است. وزیر همایون با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مذهبی شهر، توانست مشروعیت اقدامات سرکوبگرانه را افزایش دهد و شورش را در سطح محلی مهار کند (همان، ۳۲).

۸-۱. نقش خوانین، کلانتران و مالکان محلی

رؤسای ایلات، مالکان عمده و کلانتر زنجان برای حفظ ساختارهای قدرت و روابط دیرینه با دستگاه قاجار، در سرکوب نقش فعال داشتند. آنان نیروی سواره و پیاده فراهم کردند. مسیرهای ورود و خروج محله‌ی بابیه را کنترل نمودند و آذوقه و تجهیزات در اختیار نظامیان گذاشتند (رحمانی، ۱۳۹۸: ۱۰۸). این همکاری باعث شد محاصره‌ی اقتصادی منطقه با سرعت پیش برود. مشارکت نظامی حکام محلی و احکام خمسه، همدان و اردبیل نیز به درخواست حکومت زنجان نیروهای کمکی اعزام کردند (افجه‌ای، ۱۳۷۴: ۱۸۸). این مسئله نشان‌دهنده‌ی هماهنگی منطقه‌ای در ساختار غیرمتمرکز قاجار است. اعزام لشکر کمکی پس از شدت گرفتن درگیری‌ها، مصطفی خان سرتیپ با فوج «شقاقی» به زنجان اعزام شد (حسینی، ۱۳۹۴: ۹۰). همکاری میان نیروهای محلی و اعزامی سبب شد خطوط دفاعی بابیان فروپاشد، مسجد و محله‌ی بابیه به محاصره‌ی کامل درآمد، شورش پس از چند ماه مقاومت سرکوب شود.

۸-۲. چرخش به سمت سرکوب نظامی

با تشدید تنش‌ها و ناتوانی در حل مسالمت‌آمیز اختلاف، موضع مجدالدوله به‌سرعت تغییر کرد. پس از درگیری‌های اولیه و استحکام موضع بابیان در محله «قلعه» زنجان، او رویکردی کاملاً قهرآمیز در پیش گرفت. فرماندهی مستقیم قوای دولتی و بسیج نیروهای محلی علیه بابیان بر عهده او بود (کشاورز، ۱۳۶۳: ۱۸۹). منابع تاریخی از محاصره‌ی طولانی مدت قلعه و جنگ‌های خیابانی سخن می‌گویند که با مقاومت شدید بابیان و سرکوب بی‌رحمانه دولتیان همراه بود. در این مرحله، نقش حاکم محلی از یک مدیر بحران به یک فرمانده نظامی تبدیل شد. اقدامات او همچون قطع راه‌های تأمین آذوقه برای محاصره‌شدگان و حملات پی‌درپی، نشان از عزم راسخ او برای ریشه‌کن کردن شورش دارد (سپهر، ۱۳۸۴: ۵۶۷/۳).

به روایت کسروی، «محاصره محله بابیان» توسط نیروهای محلی زنجان انجام شد و نیروهای اعزامی مرکز تنها در مراحل بعدی به عملیات پیوستند (کسروی، ۱۳۵۸: ۴۴۷).

۸-۳. تعامل دولت مرکزی و ساختار قدرت محلی

اگرچه ناصرالدین‌شاه در تهران دستورات کلی را صادر می‌کرد، اما اجرای عملیات به دلیل دوری زنجان از پایتخت، به‌طور کامل به حاکم محلی سپرده شد. مجدالدوله با استفاده از اختیارات محلی، اقدام به قطع ارتباط بابیان با خارج از شهر و جلوگیری از گسترش شورش به روستاهای اطراف کرد (کسروی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

با آغاز درگیری‌ها، مجدالدوله فوراً نیروهای قزاق، سواران محلی و تفنگچیان ایلات اطراف را بسیج کرد (فغفوری، ۱۳۶۳: ۱۲۲). او طی مکاتبات متعدد از دربار درخواست نیرو و مهمات کرد، اما در عمل تا هفته‌ها تنها بود و همین امر نشان می‌دهد که فشار اصلی مواجهه بر دوش حکومت محلی قرار داشت.

«خبر کشته شدن فرخ خان و جلادت جماعت بابیه معروض درگاه شاهنشاه ایران افتاد، سخت غضبناک شد و فرمان کرد تا بابا بیگ یاور با دو عراده توپ هیجده پوند و چهار عراده توپ دوازده پوند و جماعتی از صاحبان مناصب توپ‌خانه، راه زنجان پیش داشتند و برحسب حکم کارداران دولت، رزم جماعت بابیه را تصمیم عزم دادند؛ و از دار خلافت کوچ بر کوچ طی مسافت نموده، وارد زنجان شدند پس از ورود بابا بیگ یاور به زنجان، تمامی لشکر از چهار طرف خانه ملا محمدعلی را محاصره نمودند. اول فوج گروس به قوت یورش، قلعه علی مراد خان را و فوج چهارم، خانه آقا عزیز را که نزدیک خانه ملا محمدعلی بود، گرفتند و آنچه از مردم به غارت برده و در آنجا بود، به غنیمت بردند. فوج خاصه از جانب دروازه همدان به کاروان‌سرای سنگ یورش بردند و بیست نفر از دلیران اصحاب ملا محمدعلی را دست‌گیر کردند و آن‌ها را به حکم مجدالدوله در کنار برج ذوالفقار خان سر بریدند» (محمدی، ۱۳۸۸).

حکام زنجان در جریان شورش بابیان، نقش واسطه‌ی میان دولت مرکزی و جامعه محلی را ایفا کردند. آنان از یک‌سو موظف به اجرای سیاست‌های سرکوبگرانه دولت بودند و از سوی دیگر باید با توجه به حساسیت‌های مذهبی و اجتماعی منطقه، مشروعیت خود را حفظ می‌کردند. این دوگانگی، عملکرد آنان را پیچیده و چندلایه ساخته است (رستمی و بیات، ۱۴۰۴: ۳۵).

دولت مرکزی از سهرای توانست از قدرت محلی برای کنترل بحران استفاده کند:

الف. مشروعیت‌سازی مذهبی از طریق علما (فراهانی، ۱۳۹۲: ۵۲).

ب. استفاده‌ی لجستیکی و اجتماعی از شبکه‌ی خوانین.

ج. اجرای عملیات نظامی مشترک با حکام محلی.

این مدل ترکیبی، نمونه‌ای بارز از حکمرانی چند سطحی در عصر قاجار است.

«فرار بابیان از دروازه‌ی قزوین و کشته یا اسیر شدن تعدادی از آنان، ضربه‌ای سنگین به جنبش بابی وارد کرد. این واقعه نه تنها باعث تضعیف نیروهای بابی در زنجان شد، بلکه تأثیرات گسترده‌تری بر کل جنبش داشت. پس‌ازاین رویداد، بسیاری از بابیان مجبور به پنهان‌شدن یا ترک منطقه شدند و جنبش بابی در زنجان به‌طور موقت فروپاشید. این واقعه همچنین نشان‌دهنده‌ی قدرت نظامی حکومت قاجار در مقابله با جنبش‌های مخالف بود» (خورموجی، ۱۳۴۴: ۷۴/۱).

۸-۴. تحلیل نقش حکومت محلی در تشدید یا مهار بحران

عملکرد حکومت محلی زنجان در این ماجرا را می‌توان دووجهی تحلیل کرد:

۱. تشدید بحران: سیاست اولیه‌ی ممانعت و عدم درک صحیح از ماهیت ایدئولوژیک جنبش باب، فرصت گسترش را به بابیان داد. این نوسان در سیاست، باعث سردرگمی عمومی و کاهش اعتبار حکومت محلی شد.

۲. مهار بحران: در مرحله‌ی بعد، بسیج کامل قوای نظامی و مدیریت محاصره توسط مجدالدوله، اگرچه بسیار پرهزینه و خونین بود، درنهایت منجر به سرکوب شورش و جلوگیری از سرایت آن به دیگر مناطق شد. این موفقیت نظامی، اگرچه با ویرانی بخشی از شهر و کشتار گسترده همراه بود، درنهایت از سوی حکومت مرکزی مورد تأیید قرار گرفت.

۳. طولانی شدن بحران: سرکوب شورش بابت در زنجان دو علت اساسی داشت: ۱. ضعف و بی‌تدبیری فرماندهان نیروهای دولتی و نیروهای تحت امرشان، به‌طوری‌که به‌آسانی در دام حيله‌ها و تاکتیک‌های جنگی ملا محمدعلی واقع می‌شدند. ۲. استفاده ملا محمدعلی از تاکتیک‌های بدیع و ابتکاری در جنگ مانند پخش پول در میان نیروهای دولتی و سرگرم کردن آنان به جمع‌آوری پول و استفاده از فرصت به‌دست‌آمده جهت ضربه زدن به آن‌ها و یا دامی که برای فرخ خان و صد نفر از نیروهای تحت امرش گسترده و او به‌سادگی، خود و نیروهایش را گرفتار ساخت.

۸-۵. سرانجام فتنه

به‌هرحال، جاه‌طلبی‌ها و منازعات ملا محمدعلی با حاکم و عالمان محلی زنجان به نزاع و کشتاری وحشتناک و به خاک و خون کشیده شدن بسیاری از افراد بی‌گناه تبدیل شد. این شورش هنوز به اتمام نرسیده بود که در تبریز علی‌محمد باب به دار آویخته و تیرباران شد. این شورش و آشوب نیز با مرگ ملا محمد علی زنجان نیز پایان پذیرفت. بعداً اینکه ملا محمد بر اثر اصابت گلوله جان داد او را با همان لباسی که بر تن داشت دفن کردند و شمشیرش را نیز در کنار او به خاک سپردند بعد از هلاکت او میرزا رضا (سردار ملا محمدعلی) و سلیمان بزاز که وزیر ملا محمدعلی به حساب می‌آمد و دین محمد (پسر ملا محمدعلی) که ملقب به ایلخانی نیز بود، نامه‌ای به امیر اعلان خان نوشتند که اگر جان آنان در امان باشد دست از جنگ کشیده و خود را تسلیم می‌کنند. امیر اعلان خان نیز به‌خوبی فکر کرد که اگر بخواهد با جنگ و نبرد برای غلبه بر این گروه اقدام کند، گروهی از سربازان را از بین خواهد برد؛ پس به آن‌ها اطمینان و امان داد و آن گروه نیز از سنگرهای خود بیرون آمده و خود را تسلیم قوای دولتی نمودند؛ و با این وصف این شورش به پایان رسید (اعتضادالسلطنه، ۱۳۸۳: ۶۳-۷۰).

نکته دیگری که نباید از نظر دور بماند، حمایت‌های منابع مجهول‌الهویه از ملا محمدعلی زنجان درنبرد خونین او با نیروهای مردمی و دولتی بود. نبیل زرنندی (تاریخ‌نگار بهائی) می‌نویسد: «مطلب دیگری که باعث تعجب بود این بود که از راه غیر معلومی پیوسته زاد و توشه به اصحاب می‌رسید.» (اشراق خاوری، ۱۳۴۳: ۵۲۸).

امان‌الله شفا در این باره می‌نویسد: «شما خود می‌توانید فکر کنید که در این موقع بابت تقریباً در سایر نقاط به کمال ضعف رسیده بود، در خراسان و مازندران باختم قضیه‌ی طبرسی دیگر تقریباً کسی باقی نمانده بود و در جنوب با ختم قضیه‌ی نیریز که تقریباً تمام کسانی که حاضر به فداکاری بودند، کشته‌شده بودند، دیگر افراد مؤثری باقی نمانده بودند. حالا فکر کنید این توپ و تفنگ‌ها و این

اسب و شمشیر و زره‌ها و این زاد و توشه‌ها از کجا به زنجان می‌رسید. این مطلب نظریه‌ی کسانی را که معتقدند روس‌ها، بابیان را کمک می‌کردند را تقویت می‌نماید» (شفا، ۱۳۴۹: ۲۳۴).

۹. نقش علمای شیعه زنجان در مهارشورش

بین حجت و مجتهدان زنجان همواره اصطکاک وجود داشت. به این دلیل که در عراق، حجت از دکتربین ضد مجتهدی مدرسه‌ی اخباریون حمایت کرده بود، علمای زنجان از حجت نزد محمدشاه شکایت نمودند. محمدشاه حجت را به تهران آورد، ولی تبرئه شد و مجدداً به زنجان بازگشت (نیاکویی، ۱۳۸۷: ۴۱۹).

میرزا ابوالقاسم موسوی زنجان‌ی روحانی شیعه و از علمای بزرگ عصر قاجار در روزگار ناصرالدین‌شاه بود. او در سال ۱۲۲۴ در زنجان متولد شد و در قزوین و اصفهان تحصیل کرده بود و از شاگردان سید محمدباقر شفتی به شمار می‌آمد. وی در سرکوبش بابیان نقش داشت و فتوای قتل ملا محمدعلی زنجان‌ی را صادر کرد. او سال ۱۲۹۲ درگذشت (سپهر، ۱۳۸۴: ۴۴/۸).

موسوی زنجان‌ی مهم‌ترین چهره‌ی محلی در مقابله با شورش بود. اقدامات او شامل صدور فتوای جهاد علیه بابیان بسیج نیروهای مردمی، مشروعیت بخشی دینی به عملیات نظامی، ایجاد انسجام میان نیروهای ضد بابی بود (موسوی ۱۳۹۰: ۸۸). فتوای او نقش محوری در جلب حمایت عمومی داشت و به دولت امکان داد با کمترین مقاومت محاصره‌ی بابیه را سامان دهد (یوسفی ۱۳۹۵: ۷۳).

در زمینه‌ی نقش علمای زنجان در مهارشورش بابیه در این شهر، به‌خصوص باید از دو نفر از علمای بزرگ زنجان یاد نمود که بر ضد بابیه حکم جهاد صادر کردند و از هیچ‌گونه تلاش و کوشش جهت رفع این فتنه بزرگ مضایقه نکردند: ۱. آیت‌الله آقای سید محمد زنجان‌ی، معروف به سید مجتهد ۲. آیت‌الله حاج میرزا ابوالقاسم موسوی مجتهد، معروف به میرزا.

آیت‌الله حاج میرزا ابوالقاسم موسوی، با نهایت ثبات قدم و کمال استقامت، با فرقه‌ی بابیه زنجان مبارزه نمود و نهایت تلاش ایشان این بود که حتی‌المقدور از قتل و غارت جلوگیری کند. وی سعی می‌کرد تا مردمان ساده و جاهل را که بر اثر نادانی، گمراه شده بودند، حتی‌الامکان با موعظه و نصیحت، به راه راست هدایت نماید و شب و روز در ارشاد مردم کوشا بود، لذا در ردّ بابت کتب و رسائلی نوشته به نام‌های ردّ الباب، قطع الباب، سدّ الباب و تخریب الباب. آیت‌الله آقا سید محمد زنجان‌ی نیز با جدّ و جهد تمام با این فرقه مبارزه کرد و این مطلب از کتاب لسان الصدق او که در بحبوحه پیکار نوشته، واضح است (محمدی، ۱۳۸۸).

۱۰. شورش حجت زنجان‌ی: جمع‌بندی و تحلیل

در مورد ملا محمدعلی حجت زنجان‌ی، سه دیدگاه مطرح است:

الف) او واقعاً به سید علی محمد شیرازی گرویده و از پیروان و مریدان مخلص وی بوده است. این دیدگاه نویسندگانی همچون: اعتضاد السلطنه در کتاب «فتنه باب» و سپهر در «ناسخ التواریخ» و... است.

ب) دیدگاه دوم این است که او بابی نبوده بلکه وی را به بابت متهم کرده‌اند. نویسندگانی مثل شیخ موسی زنجان‌ی در کتاب «الفهرست» به این مطلب گرایش نشان داده‌اند و خود ملا محمدعلی نیز در نامه‌ای به سفیر انگلستان چنین ادعا کرده است.

ج) دیدگاه سوم این است که وی برای پیشبرد اهداف بلندپروازانه‌اش، به‌طور صوری و ظاهری به سید علی محمد شیرازی گرایش نشان داده و خود را از پیروان واقعی وی قلمداد کرده است. نویسندگانی مثل حجت‌الاسلام ابوالحسنی در کتاب «سلطنت علم و دولت فقر» چنین دیدگاهی دارند. مختار نویسنده نیز همین دیدگاه است زیرا ما در بررسی سیر زندگانی حجت زنجان‌ی، نبود اعتدال فکری را

قبل از جریان بابیت، در شخصیت وی به‌خوبی می‌بینیم. این شخصیت ماجراجو، همان کسی بود که بعد از بازگشت از عتبات عالیات و پس از استقرار در زنجان، با صدور فتوهای عجیب‌وغریب، موج مخالفت علمای زنجان را علیه خود برانگیخت و به‌احتمال قریب به‌یقین هدف او از صدور چنین فتوایی، بلندآوازه کردن خود بود تا بدین‌وسیله بتواند نام خود را در زبان‌ها جاری گرداند. او وقتی که به خاطر صدور همین فتواها در تهران زیر نظر قرار گرفت به باب‌گرایشی پیدا کرد تا بتواند مقاصد بلندپروازانه‌اش را در لوای بابی‌گری دنبال کند. ایشان داعیه فتح کره زمین را در سر داشت و حتی حکومت حجاز و مصر را به بعضی از یارانش پیشکش کرده بود. اگر وی واقعاً در گفتارش صادق بود که «او را متهم به بابیت کرده‌اند»، چرا خود را تسلیم نیروهای دولتی نکرد تا این‌همه قتل و غارت به وجود نیاید و مردم این‌همه دچار خسارت جانی و مالی نشوند. اصولاً چرا قدم در وادی شورش و فتنه‌گری گذاشت؟ (محمدی، ۱۳۸۸).

۱۱. پیامدهای سرکوب شورش برای زنجان

الف. تقویت علما: پس از شورش، قدرت معنوی و سیاسی علمای شیعه - به‌خصوص میرزا موسوی - به‌طور چشمگیری افزایش یافت (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

ب. حذف کامل شبکه‌ی بابیان: کشتار، مهاجرت یا پراکندگی بابیان موجب نابودی تشکیلات آنان در زنجان شد (وثوقی، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

ج. افزایش وابستگی دولت مرکزی به نهادهای محلی: شورش زنجان دولت قاجار را وادار به اعزام نیروهای گسترده کرد و ضعف ساختار امنیتی را آشکار ساخت. تهران دریافت که بدون حکام محلی مهار جریان‌های مذهبی رادیکال ممکن نیست (حسینی، ۱۳۹۴: ۹۵).

پس از سرکوب شورش، حکومت مرکزی موقعیت حاکم زنجان را تقویت کرد و وی به‌عنوان «مدافع وفادار سلطنت» در گزارش‌های رسمی ستوده شد (افجه‌ای، ۱۳۷۴).

اما منابعی مانند آدمیت اشاره می‌کنند که شدت عمل حکام محلی و خشونت‌های گسترده موجب تداوم خصومت‌های مذهبی در منطقه شد (آدمیت، ۱۳۵۴).

د. تثبیت اقتدار دولت قاجار در زنجان و ولایت خمسه.

ه. افزایش مشروعیت حکام محلی نزد دولت مرکزی به دلیل موفقیت در مهار بحران.

نتیجه‌گیری

شورش بابیان در زنجان نمونه‌ای بارز از تعامل پیچیده بین جنبش‌های اجتماعی و ساختار حکومتی در ایران قاجار است. این شورش نشان داد که جنبش‌های مذهبی نوظهور می‌توانند ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های سنتی را به چالش بکشند. در این میان، نقش حکام محلی به‌عنوان حلقه‌ی واسطه حکومت مرکزی و مردم، نقشی حیاتی و دوگانه بود. امیراصلاحان خان مجدالدوله در مقام حاکم زنجان، ابتدا با سیاستی مسالمت‌آمیز و سپس با سرکوبی قاطعانه به بحران پاسخ داد. بررسی اسناد و منابع نشان می‌دهد که تصمیمات محلی او، مستقل از دستورات مستقیم و روزمره‌ی تهران، سهم تعیین‌کننده‌ای در روند رویدادها داشت. تجربه‌ی زنجان ثابت کرد که

کارآمدی یا ناکارآمدی حکام ولایات می‌توانست یک چالش مذهبی را به یک فاجعه انسانی و امنیتی تبدیل کند یا آن را مهار نماید؛ بنابراین، مطالعه موردی زنجان بر اهمیت تحلیل نقش عوامل محلی در کنار سیاست‌های کلان حکومت قاجار در مواجهه با جنبش بابیان تأکید می‌ورزد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که حکام محلی به‌ویژه علما نقش اصلی را در مهارشورش بابیان زنجان ایفا کردند. سه عنصر ساختاری باعث فروپاشی شورش شد:

۱. فتوای علمای زنجان و بسیج دینی مردم؛
 ۲. همکاری خوانین و شبکه قدرت محلی؛
 ۳. هماهنگی نظامی میان نیروهای اعزامی و نیروهای محلی.
- شورش بابیان زنجان نمونه‌ای از توانایی حکام محلی قاجار در مدیریت بحران‌های داخلی بود. اصلاخان مجدالدوله با بسیج منابع محلی و هماهنگی با تهران، نه تنها شورش را سرکوب کرد، بلکه مانع از گسترش آن به دیگر مناطق شد. این واقعه نشان می‌دهد که حکومت قاجار در مواقع بحران، به‌شدت به شبکه‌های محلی قدرت وابسته بود. در نتیجه، سرکوب شورش زنجان نه صرفاً یک اقدام نظامی، بلکه همکاری چندوجهی میان دولت مرکزی و ساختار قدرت محلی بود.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴). اندیشه‌های میرزا ملکم خان، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۷). امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آوینی، مرتضی (۱۳۷۲). تحقیقی در تاریخ بابی‌گری، تهران: سوره.
- اشراق خاوری، عبدالحمید (۱۳۴۳). مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنند)، تهران: مطبعه امیری.
- اعتمادالدوله، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرآه البلدان، به کوشش عبدالحسین نوایی، جلد ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتضادالسلطنه، علینقی میرزا (۱۳۸۳). فتنه باب، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: علم.
- افجه‌ای، حسین (۱۳۷۴). جنبش بابی در ایران، تهران: نشر نی.
- حسینی، محمد (۱۳۹۴). شورش‌های بابی در عصر قاجار، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- خورموجی، محمد بن جعفر بن محمدعلی (۱۳۴۴). تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری، تصحیح حسین خدیوچم، تهران: زوار.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۷). تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحمانی، سجاد (۱۳۹۸). «پیامدهای اجتماعی بابی‌گری در زنجان». فصلنامه مطالعات تاریخ ایران.
- رستمی، حسن و بیات، مسعود (۱۴۰۴). کنش‌ها و چالش‌های حاکمان زنجان در عصر قاجار؛ مورد مطالعه و تطبیق احتشام‌السلطنه و وزیر همایون. نشریه جستارهای تاریخی، ۱۶ (۱).
- سپهر، محمدتقی بن محمدعلی (۱۳۸۴). ناسخ التواریخ تاریخ قاجاریه: سلطنت ناصرالدین شاه، جلد ۲، ۸، ۳ به کوشش جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر.
- شفا، امان‌الله (۱۳۴۹). نامه‌ای از سن پالو، با تعلیقات مرتضی آخوندی، تهران: انتشارات اسلامیه.
- فراهانی، علی (۱۳۹۲). رویکرد امیرکبیر به نهضت بابی، تهران: نشر تاریخ معاصر.
- فغفوری، ناصر (۱۳۶۳). زنجان در عصر قاجار، تهران: آگاه.

- فیضی، محمدعلی (بی‌تا). حضرت نقطه اولی، تهران: انتشارات عصر جدید.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۲). بایان، تهران: نشر فرزانه.
- کسروی، احمد (۱۳۵۸). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- محمدی، ذکراالله (۱۳۸۸). پیامدهای بای‌گری در زنجان، تهران: پژوهشکده مهدویت مؤسسه آینده روشن بشریت.
- معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی (۱۳۵۲). مکاتیب، اصفهان: انتشارات مشعل.
- موسوی زنجانی، رضا (۱۳۹۰). زندگی و زمانه میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی، قم: کتابخانه اسلامی.
- میگدال، جونل (۱۳۸۶). دولت در جامعه، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: شیرازه.
- ناظم الاسلام کرمانی. (۱۳۸۹). تاریخ بیداری ایرانیان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نیاکویی، امیر (۱۳۸۷). «ریشه‌های اجتماعی شورش‌های بایه در ایران»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علم سیاسی، ۳۸(۳)، ۴۰۷-۴۲۱.

- وثوقی، کیوان (۱۳۸۸). جنبش‌های مذهبی ایران در قرن سیزدهم هجری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۰). روضه الصفای ناصری، تهران: انتشارات اساطیر.

